



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات

نویسنده:

جعفر حقشناس

ناشر چاپی:

کتاب زنان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات
۶	مشخصات کتاب
۶	لباس و پوشش در سیره نبوی
۸	پوشش و عفاف در کلام معصومین (ع) و شهداء
۹	حجاب نزد فاطمه زهرا
۱۰	پیام پیامبر (ص) به دختران امروز
۱۲	زیباترین حدیث درباره حجاب
۱۳	حجاب اقلیت ها در زمان پیامبر
۱۳	لباس و پوشش در سیره نبوی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران سرشناسه: حق شناس، جعفر عنوان و نام پدیدآور: حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات/جعفر حق شناس منشا مقاله: کتاب زنان، ش ۳۶، تابستان ۱۳۸۶: ص ۵۰-۸۸ یادداشت: * دانش آموخته دوره دکترای تفسیر، خارج فقه و اصول پژوهشگر مطالعات زن و خانواده توصیفگر: پوشش زنان توصیفگر: حجاب توصیفگر: واژه جلاباب توصیفگر: احادیث توصیفگر: قرآن [۱]

لباس و پوشش در سیره نبوی

لباس برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی، و مایه آبرو و آراستگی انسان است. تبدیل آن به وسیله تفاخر و تجمل، و ارزش را در کیفیت جامه دانستن، نوعی انحراف از فلسفه وجودی لباس است. از این رو "ساده پوشی" به عنوان یکی از مظاهر ساده زیستی و رهایی از تعلقات مادی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه به زندگی و دنیا می نگریست و این گونه نیز می زیست و هرگز ارزش را در لباس نمی دید. سعدی می گوید: تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت و به قول پروین اعتصامی: زهد با نیت پاک است نه با جامه ی پاک ای بس آلوده، که پاکیزه ردایی دارد در این جا به نمونه‌هایی از سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد پوشیدن جامه، جنس لباس، رنگ، اندازه و تعداد و نحوه پوشیدن پیراهن، کفش، کلاه، عمامه، ردا و... اشاره می کنیم: از نشانه‌های و ارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست، این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر. ۱- جنس و رنگ لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله هم به سلامت و عافیت جسمی، هم به سادگی و هم به نوع سالم تر پارچه لباس توجه داشت. لباس پنبه‌ای مورد علاقه آن حضرت بود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: "لباس‌های پنبه‌ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست" (۱). آن حضرت، هم لباس بُرد یمانی می پوشید، هم جبه‌ای پشمین و خشن از پنبه و کتان. (۲) می فرمود: "پنج چیز را تا زنده‌ام ترک نمی کنم،... یکی هم پوشیدن لباس پشمی ("۳") سبز، "رنگ مورد پسند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای لباس بود. (۴) البته بیشتر جامه‌های پیامبر سفید بود و می فرمود: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه سفید کفن کنید. (۵) پیامبر خدا ملحفه‌ای داشت که با زعفران رنگ آمیزی شده بود و گاهی تنها با پوشیدن همان، با مردم نماز می خواند. (۶) اما "سرخ"، رنگی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را برای لباس، نمی پسندید. (۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله نمونه‌های تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می فرمود: "من اتخذ ثوبا فلینظفه" (۸). لباس سفید، خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می شود، و انسان مقید به سنت نبوی نظافت، به شستن و تمیز کردن آن روی می آورد. به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است. ۲- اندازه و کیفیت جامه‌ای که انسان را مغرور و سرمست کند یا تکبر و خود برتر بینی آورد، ناپسند است. مقید بودن به نوع خاصی از جامه نیز، اسارت آور است. رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه لباس تازه می پوشید، خدا را شکر و سپاس می گفت و جامه قبلی را به مسکین می داد. "کان من فعله اذا لبس الثوب الجدید حمد الله" (۹). در روایت دیگری آمده است که چون جامه نو به تن می کرد، دعا می کرد و می فرمود: خدایی را سپاس که بر تن من چیزی پوشاند تا پوشش من باشد و میان مردم آراسته باشم. (۱۰) جامه بلندی که بر زمین کشیده شود، نشان تکبر است و در جاهلیت، شیوه اشراف بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن آن که از پوشیدن آن گونه جامه‌ها نهی می کرد، خود

جامه‌ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید". کانت ثیابه کلها مشمره فوق الکعبین ("۱۱). این در مورد جامه‌ای بود که همچون لنگ به کمر می بست. و جامه‌ای که از رو می پوشید، تا نصف ساق پا می رسید. جامه وی گاهی جامه‌ای کوچک‌تر از قطیفه (شمله) بود، یا جامه‌ای پشمین و راه راه با خطوط سیاه و سفید که وقتی آن را به بر می کرد، هیئت زیبایی می یافت. (۱۲) از نشانه‌های وارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست، این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر. (۱۳) رسول اکرم به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود: ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم، روی زمین می نشینم، بر چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت‌های من است، هر کس از سنن من روی گردان شود، از من نیست. ۳- ساده پوشی ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و وابسته نبودن به جلوه‌های فریبنده دنیا و به ناز و نعمت آن دل نبستن و به جلوه‌های مادی دل خوش نداشتن، در همه شوون زندگی وی متجلی بود از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز و... نقل شده که گاهی آن حضرت، روی حصیر می خوابید، بی آن که جز آن چیزی زیرش باشد. (۱۴) هر چه فراهم بود می پوشید، چه قطیفه‌ای باشد که بر کند، یا بُرد عالی که بپوشد، چه جبه پشمین، هر چه که از حلال می یافت می پوشید". ما وجد من المباح لبس ("۱۵). مهم، مباح بودن جامه بود که برای رسول خدا اهمیت داشت، نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن! آن حضرت به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود: ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم، روی زمین می نشینم، انگشتانم را پس از غذا می لیسم، - کنایه از این که در صرف غذا اسراف نمی کردند - بر چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت‌های من است، هر کس از سنن من روی گردان شود، از من نیست. (۱۶) در سخن دیگری آمده است که عبایی داشت، هر گاه می خواست نافله بخواند (یا جا به جا شود) آن را دو تا می کردند و زیرشان می انداختند. (۱۷) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگز نسبت به جای خواب و رختخواب، عیبجویی و ایرادگیری نداشت. اگر بستر برایش می گسترده‌اند، بر آن می خوابید و اگر رختخوابی پهن نمی شد، بر زمین می خوابید. "ان فرشوا له اضطجع و ان لم یفرش له اضطجع علی الارض" ("۱۸). این نهایت زهد و اوج وارستگی از تعلقات دنیوی است. وقتی در خانه بود، لباس خود را می دوخت و بر کفش خویش وصله می زد. (۱۹) روزی عُمَر خدمت آن حضرت رسید، در حالی که وی بر روی حصیری خفته بود و حصیر بر پهلوهای آن حضرت خط انداخته بود؛ گفت: یا رسول الله! کاش بستری گسترده بودید! فرمود: دنیا را می خواهم چه کنم؟ مثل من و دنیا مثل رهگذری است که در یک روز گرم، ساعتی از روز را زیر سایه درختی به استراحت پرداخته، سپس آن جا را وانهاد و رفته است. (۲۰) ۴- لباس های ویژه کلاه، عمامه، دستار و عرقچین، گر چه پوشاننده بدن نیست، ولی در ردیف جامه به شمار می آید. از سنت‌های اسلامی، پوشاندن سر است، چه هنگام عبادت و نماز، چه در مواقع دیگر. گر چه "در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست". پوشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سر خود، اغلب عمامه بود. هنگام نماز و خطبه و جهاد، به تناسب، شرایط، با چیزی سر را می پوشاند. گاهی هم سر برهنه بود. به روایت امام صادق علیه السلام پیامبر اسلام، عرقچین و کلاه سفید راه راه می پوشید و در هنگام جنگ، عرقچینی بر سر می گذاشت که روی گوش‌ها را می پوشاند. (۲۱) در مواقع دیگر، از زیر عمامه، عرقچین هم بر سر می پوشید. "کان یلبس القلانس تحت العمام" ("۲۲). البته گاهی عمامه بدون کلاه بر سر می نهاد، یا کلاه بدون عمامه می پوشید. (۲۳) عمامه سیاهی داشت که بر سر می پیچید و با آن نماز می خواند. (۲۴) اگر استفاده از دستمال و حوله را برای خشک کردن دست و صورت هنگام وضو وارد بحث پوشش و لباس کنیم، در این زمینه هم بد نیست بدانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله حوله‌های متعددی داشت، با نام‌های مختلف و کاربردهای گوناگون، که به مراعات بهداشت و نظافت و نظم هم مربوط می شود. در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله‌ای داشت که پس از وضو چهره خود را با آن خشک می کرد. و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت، با گوشه لباس خود صورت را خشک می کرد. (۲۵) آراستگی آن حضرت، بهخصوص هنگام حضور در جمع

مسلمانان در مسجد و برای خطبه و نماز، گوشه دیگری از سیره ایشان را نشان می دهد. لباس نماز جمعهایشان مخصوص بود: "کان له ثوب للجمعه خاصه" (۲۶). در بعضی روایات آمده که غیر از لباسی که در روزهای غیر جمعه می پوشید، دو جامه مخصوص برای جمعه داشت. (۲۷) ۵- آداب لباس پوشی گرچه لباس پوشیدن، کاری ساده و روزمره و عادی است، ولی روش و سیره اولیای دین در این زمینه‌ها هم برای ما مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر گاه لباس و پیراهن می پوشید، ابتدا سمت راست را بر تن می کرد و هر گاه جامه از تن در می آورد، از سمت چپ شروع می کرد. (۲۸) گاهی بی آن که جامه دیگری بر تن کند، روپوشی را بر اندام خود می افکند و دو طرف آن را بین دو شانه خود گره می زد و چه در خانه یا بیرون یا هنگام نماز بر جنازه‌ها، با همان حالت نماز می گزارد. گاهی نیز در یک لباس گشاد نماز می خواند. دو عدد جامه بُرد بافته شده داشت که آن‌ها را تنها در حال نماز می پوشید، امت خویش را به نظافت دستور می داد و تشویق می کرد. (۲۹) آن حضرت، انجام کار را با دست راست، و شروع از سمت راست را در همه کارهایش دوست داشت؛ در پوشیدن جامه و کفش، در شانه کردن موی. (۳۰) لباسی که می خرید، اگر آستین آن بیش از اندازه بود، مقدار اضافی را می برید. (۳۱) و نمی گذاشت لبه آن را هم بدوزند و به همان حال می پوشید و می فرمود: کار، خیلی زودتر از این‌هاست. (۳۲) پایان این بخش را به دو کلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله زینت می دهیم که درباره جامه و آداب لباس پوشیدن فرموده است: "من لبس ثياب شهره فی الدنيا لبسه الله لباس الذل یوم القیامه" (۳۳)؛ هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت نما شود) خداوند در روز قیامت جامه ذلت و خواری بر او می پوشاند. امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی می کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند. و نهی می کرد که زنان، در لباس شبیه مردان شوند. (۳۴) پی نوشت ها: ۱. البسوا الثیاب القطن فانها لباس رسول الله (سنن النبی، ص ۱۲۶). ۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵. ۴. کان یعجبه الثیاب الخضر (سنن النبی، ص ۱۲۰). ۵. البسوها احیاکم و کفنوا فیها موتاکم (سنن النبی، ص ۱۲۰ و محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۰). ۶. محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۱. ۷. سنن النبی، ص ۱۳۳. (انه کره الحمره فی اللباس) ۸. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳. ۹. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۱ / مکارم الاخلاق، ص ۳۶. ۱۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۱ / محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۵. ۱۱. سنن النبی، ص ۱۲۰ / محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۱. ۱۲. سنن النبی، ص ۱۲۵، حدیث ۱۳۵. ۱۳. همان، ص ۱۲۰ به نقل از احیاء العلوم غزالی. ۱۴. همان، ص ۱۲۳. ۱۵. محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۲۵. ۱۶. سنن النبی، ص ۱۳۱. ۱۷. همان، ص ۱۲۳ / بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۱۸. محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۳۰. ۱۹. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰. ۲۰. همان، ص ۲۳۹. ۲۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۲۰. ۲۲. سنن النبی، ص ۱۲۲ / محجۀ البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۳. ۲۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۰. ۲۴. سنن النبی، ص ۱۲۵. ۲۵. مکارم الاخلاق، ص ۳۶. ۲۶. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۲۷. همان، ص ۲۵۱ / سنن النبی، ص ۱۲۱. ۲۸. سنن النبی، ص ۱۲۳. ۲۹. همان، ص ۱۲۶. ۳۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷. ۳۱. همان، ص ۲۷۸. ۳۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۱. ۳۳. همان، ص ۱۱۶. ۳۴. همان، ص ۱۱۸.

پوشش و عفاف در کلام معصومین (ع) و شهداء

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «...زنی که برای حفظ غیرت، استقامت ورزید و برای خدا وظیفه خود را به خوبی انجام داد، خداوند پاداش شهید را به او خواهد داد» (۱). «خداوند! زانی که خود را پوشیده نگه می دارند، مشمول رحمت و غفران خود بگردان!» (۲). «کسی که در دنیا لباس شهوت به تن کند، خداوند قادر، روز قیامت لباس خواری و ذلت را به او خواهد پوشاند.» (۳) «سه گروه، هرگز داخل بهشت نمی شوند: کسی که نسبت به عفت و ناموس خود بی اعتنا است؛ زنی که خود را در لباس و رفتار و امور دیگر شبیه مردان سازد و شراب خوار.» (۴) «زنان خود را با پوشش اندام و چشم، از دیدار نامحرمان باز دارید که زنان هر چه پوشیده تر

باشند، سعادت‌مندتر هستند» (۵). پیامبر اکرم (ص) به حواء، همسر عطاره فرمود: «ای حواء! هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و نیز موی سر و مچ خود را نمایان نمی‌سازد» (۶). حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «همانا حجاب متین برای آنان (زنان) متضمن سعادت است». (۷) نقل است رسول اکرم (ص) از اسماء در حالی که جامعه‌های نازک و بدن نما پوشیده بود، روبرو گرداند و فرمود: «ای اسماء! همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر این و آن و به مچ دست به پایین و صورت خود اشاره کرد» (۸). امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «کسی که خود را شبیه غیر مسلمانان در آورد، از ما نیست» (۹). امام صادق (ع) می‌فرمایند: «برای زن مسلمان جایز نیست که روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند» (۱۰). از امام صادق (ع) پرسیدند: آیا آرنج زن تا مچ، از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشاند؟ حضرت فرمود: «بله، آنچه زیر روسری قرار گیرد و همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشانده شود» (۱۱). از امام صادق (ع) درباره زینت‌هایی که جایز است در مقابل نامحرم ظاهر کند، پرسیدند. حضرت فرمود: «صورت و کف دو دست» (۱۲). امام باقر (ع) می‌فرمایند: «جایز نیست که زن، خود را شبیه مرد کند؛ زیرا پیامبر مردانی را که مشابه زنان می‌شوند و همچنین زن‌هایی که خود را شبیه مردان می‌کنند، لعنت کرده است» (۱۳). حجاب عاشورایی دختر ۶ ساله حضرت اباعبدالله (ع) در مجلس یزید با آستین خود روی خود را پوشانده بود و اشک می‌ریخت. یزید پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسی که پوشش و نقابی برای او نیست که صورت خود را از تو و حضار مجلس تو بپوشاند» (۱۴). خون نوشته‌ها شهید قربانعلی حسینی: «درود بر تو خواهرم که همچون زینب و ام کلثوم، در پرده حجاب خویش در سنگر بزرگی چون چادرت، با یزیدیان زمان در ستیزی» (۱۵). شهید اکبر مزروعی سبذانی: «ای خواهر عزیزم! حجاب تو کوبنده‌تر از سلاح من است؛ خوب حفظ کن تا دشمن یارای پایمال کردن خون مرا نداشته باشد» (۱۶). پی‌نوشت: ۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۰. ۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴. ۳- همان، ص ۲۴۵. ۴- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۰۲. ۵- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ۲۹۸۱۲، به نقل از: سند بالا. ۶- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۵۴۹. ۷- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی. ۸- سنن ابن داوود، ج ۴، ص ۶۲. ۹- نهج الفصاحه، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۵۰۶. ۱۰- وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۵۲۸۱. ۱۱- مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۵۵۸. ۱۲- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۳. ۱۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۰۸. ۱۴- ترجمه نفس المهموم، ص ۲۲۱؛ به نقل از بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۷۳. ۱۵- همان، ص ۹۴. ۱۶- همان، ص ۹۴.

حجاب نزد فاطمه زهرا

چند روایت درباره اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهرا علیهاسلام: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل فرمود که: روزی شخص نابینایی اجازه ورود خواست. فاطمه علیهاسلام برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود: «چرا از او رو می‌گیری، او که تو را نمی‌بیند؟» فاطمه عرض کرد: «او مرا نمی‌بیند، اما من که او را می‌بینم. و او اگر چه مرا نمی‌بیند ولی بوی مرا که حس می‌کند.» رسول خدا فرمود: «شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.» روزی رسول خدا از اصحاب خود پرسید: «نزدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟» اصحاب نتوانستند جواب بدهند. این سؤال به گوش فاطمه علیهاسلام رسید. فاطمه فرمود: «نزدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند (و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نا محرمان قرار ندهد).» وقتی رسول خدا این سخن را شنید، فرمود: «فاطمه پاره تن من است.» امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: روزی رسول خدا از ما پرسید: «بهترین کار برای زنان چیست؟» فاطمه علیهاسلام پاسخ داد: «بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.» رسول خدا فرمود: «فاطمه پاره تن من است.» رسول خدا بعد از ازدواج فاطمه علیهاسلام کارها را بین او و علی علیه السلام تقسیم کرد و فرمود کارهای منزل با فاطمه و کارهای خارج از منزل با علی. فاطمه علیهاسلام می‌فرماید: «هیچ کس نمی‌داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از ظاهر شدن در پیش چشم مردان معاف

کرد.» روزی فاطمه زهرا سلام الله علیها به اسماء فرمود: «چه بد است این تخته‌هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه روی آن می‌گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می‌دهند و پارچه‌ای بر بدنش می‌کشند، حجم بدن او معلوم است.» اسماء گفت: «من که در حبشه بودم، می‌دیدم مردم آنجا تابوتی از چوب درست می‌کردند و مرده را داخل آن می‌گذاشتند.» سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه‌دار درست کرد و به فاطمه علیها سلام نشان داد. حضرت فاطمه بسیار خوشحال شد و فرمود: «این خیلی خوب است. وقتی مرده را داخل آن قرار دهند و پارچه‌ای روی آن بکشند، دیگر معلوم نمی‌شود مرده مرد است یا زن.» و فرمود: «پس از مرگم، مرا در همین تابوت بگذارید.»

پیام پیامبر (ص) به دختران امروز

نویسنده: محمد باقر پور امینی طلیعه آیا پیام پیامبر (ص) ویژه مردان است؟ و آیا زنان هم مخاطب پیام پیامبر (ص) قرار می‌گیرند؟ پیامبر اسلام همچون همه انبیاء با دو هدف، هدایت مردم را آغاز و دنبال کرد: ۱. آشنا ساختن مردم با معارف الهی. ۲. کامل کردن عقاید و اخلاق جامعه. یعنی تعلیم کتاب و حکمت از یک سو، و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر؛ آن گونه که قرآن میفرماید: *یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَیُزَكِّیهِمْ*. از این رو، میتوان رسالت پیامبر (ص) را اینگونه بیان داشت که: او برای تعلیم و تربیت و تزکیه آمد تا در بخش جامعه را به علوم الهی و صحیح رهنمون سازد و در بخش عملی، مردم را به طهارت روح برساند. مخاطب چنین حرکت هدایت بخش، جان انسان خواهد بود نه بدن او. از این رو، زن و مرد هر دو همسان هم، مخاطب «پیام پیامبر» خواهند بود. محور تعلیم و تعلم جان آدمی است نه بدن و نه مجموع جان و بدن. آنکه عالم میشود، روح است و روح، نه مذکر و نه مؤنث است. پس، آنچه که به کمال آدمی باز می‌گردد؛ همچون: مسائل علمی، اعتقادی و اخلاقی، در آن میان مرد و زن تفاوتی نیست. امّا چون از مسائل اجرائی و تقسیم کار سخن به میان می‌آید، به دلیل خصوصیات طبیعی و بدنی هر یک، وظایف مشترک و مختص وجود دارد؛ لیکن تفاوت وظایف، نقشی در میزان تکامل آن دو نخواهد داشت. زن همچون مرد، تکامل پذیر است و قرآن هر گاه از ارزشهای والای انسانی سخن میگوید، از «زنان» همسان مردان یاد می‌کند بدان حد که هر دو میتوانند به مقامات انسانی و معنوی دست یابند. و مقاماتی همچون: اسلام، ایمان، طاعت، راستگویی، شکیبایی، خداترسی، روزه داری، خویشتن داری و یاد خدا، برای هر زنی قابل دستیابی است. طبیعی است که عمل صالح او نیز همچون مرد، پیامد و ره آوردی این دنیوی و اخروی خواهد داشت: *من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیاة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون*؛ (۱) هر مرد و زن که کاری نیکو انجام دهند، اگر ایمان آورده باشند، زندگی خوش و پاکیزه‌ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان. با این مقدمه به طرح «پیام پیامبر به دختران مسلمان»، در چند محور ذیل می‌پردازیم: بر دختر بودن خود بیاید. وقتی باور غالب جامعه، «زن» را مایه عار میدانست و از «دختر» نفرت داشت و حتی آن را زنده به گور میساخت؛ در چنین محیطی، «اسلام» جایگاه انسانی زن را احیاء کرده و او را ریحانه؛ یعنی شاخه گللی ظریف مینامد. یکی از ارمغانهای زیبای پیامبر، شخصیت دادن به دختر و زن میباشد. بدان حد که پیامبر (ص) میفرمود: «دختران، خجسته اند و دوست داشتنی. - بهترین فرزندان شما، دخترانتان می‌باشند. - از خوش قدمی زن، این است که نخستین فرزندش دختر باشد. - دختر خوب، فرزندی است مهربان، مددکار، مونس، با برکت و دور کننده حسرت. - کسی که دختر دارد، مشمول نصرت و مدد و برکت و آموزش خدا خواهد بود. چون به نبی خاتم بشارت دختر میدادند، می‌فرمود: گلی است که خدا، روزیش می‌دهد و تامین او با خداست. بر خود بیاید و از آن دسته دخترانی باشید که پیامبر درباره ایشان فرمود: چه خوب فرزندانانند دختران محجوب! از فرصتها سود جوید. فرصت جوانی، یک غنیمت زودگذر است. پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتیست. محمد مصطفی (ص) فرمود: دنیا ساعتیست. زندگی کوتاه‌تر از آن است که دست کم گرفته شود. پیامبر اعظم (ص) می‌فرمود: در قیامت برای هر روز از ایام عمر بندگان، ۲۴ پرونده به تعداد ساعت های شبانه روز،

گشوده میشود؛ (بنده) پرونده‌ای را پر از روشنی و سرور می‌یابد و از دیدنش چنان شادی و فرح به وی دست می‌دهد که اگر بر دوزخیان تقسیم شود، احساس کردن رنج آتش را از آنان باز می‌دارد، و این ساعتی است که پروردگارش را در آن اطاعت کرده است. سپس پرونده‌ای دیگر گشوده می‌شود و (بنده) آن را تاریک، بدبو و ترس آور می‌بیند و از مشاهده اش چنان بی‌تابی و ترس به وی دست می‌دهد که اگر بر بهشتیان تقسیم گردد، خوشی را از آنان باز ستاند، و این لحظه‌ای است که پروردگارش را در آن نافرمانی کرده است. سپس پرونده‌ای دیگر برایش گشوده می‌شود و آن را تهی می‌بیند، نه چیزی در آن است که او را شادمان کند و نه چیزی که ناراحتش سازد، و این ساعتی است که خوابیده و یا به کارهای مباح دنیایی سرگرم بوده است؛ آنگاه به جهت از دست دادن این لحظه‌ها، احساس حسرت و تأسف به وی دست می‌دهد؛ چرا که می‌توانست آن را از نیکی‌های بی‌شمار پر سازد. و این سخن خداوند «آن(روز)، روز حسرت خوردن است.» بدین نکته اشاره دارد. لحظات زندگی را جدی بگیرید و فرصت جوانی را دریابید؛ «جوانی» یک نسیم رحمت است. آن گونه که پیامبر(ص) می‌فرمود: «انّ لربکم فی ایام دهرکم نفحات ألا فتعرضوا لها؛ در ایام زندگیتان نسیم‌های رحمتی می‌ورزد مراقب باشید خود را در معرض آن قرار دهید.» حیا را پاس دارید. «حیا» سرچشمه همه زیباییهاست و در فقدان حیا، هیچ کار زیبایی انجام نمیشود و هیچ کار زشتی ترک نمیشود. پیامبر(ص) می‌فرمود: «الاسلام عریان فلباسه الحياء؛» اسلام، عریان است و حیا، لباس آن است. حیا همان دگرگونی حال و انکسار و دوری‌گزینی از کار زشت است؛ به خصوص آنکه انسان احساس کند که ناظری او را می‌بیند. و آگاهی و نظارت خداوند، عامل برانگیختن حیا است. رسول خدا(ص) فرمود: «فاستحيوا اليوم أن یطلع الله علی شیء من أمرکم؛ شرم کنید امروز از اینکه خداوند از تمام امور شما، مطلع است.» بزرگترین سرمایه دختر و زن مسلمان «حیا» است که ثمره آن، مهار شهوت و تضمین عفت او خواهد بود. درنگ در نوع برخورد موسی ۷ با دختر شعیب و شیوه راه رفتن این دختر که با حیا آمیخته بود، نیز برای شما الهام بخش است. پوشش مناسب را انتخاب کنید. پیامبر اسلام بر پوشش زن در مقابل نامحرم و دوری از جلوه‌گری و خودنمایی اصرار می‌ورزید و قرآن، همپای توصیه به مردان در دوری از چشم‌چرانی و رعایت پوشش بدن از نامحرم، به زنان نیز توصیه می‌کند که دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه کنند. به دو آیه ذیل دقت کنید: ۱. «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مومنان بگو: پوشش‌های بلند (جلباب) خود را بر خویش فرو افکنند». ۲. «به زنان مؤمن بگو: دیدگان خود را فرو خوابانند و عفت پیشه ساخته، دامن خود را از بیگانگان بپوشانند و زیور خویش را جز برای شوهران و سایر محارم، آشکار نکنند مگر آنچه پیدا است، و روسری‌های (خُمر) خویش را به گریبان‌ها اندازند تا سر و گردن و سینه و گوش‌ها پوشیده باشد، و پاهایشان را به زمین نکوبند تا آنچه از زینت پنهان می‌کنند، معلوم شود». درباره این دو آیه، به چند نکته توجه کنید: الف) جلباب، پوششی چادرمانند، گشاد و پارچه‌ای است و با روسری کوچک و خمار متفاوت است. جلباب همچون مقنعه‌ها و روسری‌های بزرگ، سر و همه بدن را می‌پوشانیده است. و خداوند در آیه نخست با بیان «جلباب»، به پوشاندن سر و گردن و بدن زنان اشاره دارد. ب) خُمر، جمع خمار و به معنای روسری و سرپوش است و خداوند در آیه دوم از دختران و زنان مؤمن خواسته است که به وسیله خمار، سینه و گریبان (جیب) خود را بپوشانند. مرحوم طبرسی درباره این آیه می‌نویسد: زنان مدینه، اطراف روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند و سینه، گردن و گوش‌های آنان آشکار می‌شد. بر اساس این آیه، موظف شدند اطراف روسری خود را به گریبان‌ها بیندازند تا این مواضع نیز مستور باشد. ابن عباس نیز درباره تفسیر این آیه می‌گوید: یعنی زن، مو، سینه، دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند. ج) قرآن در پاسخ به ضرورت پوشش نیز چنین می‌فرماید که: ذلک أدنی أن یعرفن فلا- یؤذین؛ بدین وسیله شناخته می‌شوند (که دارای اصالت خانوادگی اند) پس با آزار و تعقیب (هوسرانان) رو به رو نمی‌شوند. د) پیامبر به اسماء فرمود: «اسماء! وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست که (در برابر نامحرم) جز صورت و دست‌هایش دیده شوند». ه) پوشش اسلامی به معنای زندانی کردن و قرار دادن شما پشت پرده و در نتیجه، عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی نیست بلکه «پوشش» بدان معناست که شما به عنوان دختر و زنان مومن در

معاشرت با مردان، بدن خود را بیوشانید و به جلوه گری و خودنمایی نپردازید و مشارکتتان در فعالیت‌ها، بر اصول انسانی و اسلامی استوار باشد. و بسیاری از جامعه‌شناسان، حجاب زن را مقتضای طبیعی جامعه بشری معرفی کرده‌اند. مونتسکیو می‌نویسد: «قوانین طبیعت حکم می‌کند زن خوددار باشد؛ زیرا مرد، با تهوّر آفریده شده است و زن، نیروی خودداری بیشتری دارد. بنابراین، تضادّ بین آنها را می‌توان با «حجاب» از بین برد و بر اساس همین اصل، تمام ملل جهان معتقدند که زنان باید حیا و حجاب داشته باشند». همواره دانش بجوید همواره با دانش و علم مأنوس باشید؛ زیرا «خداوند درجه آنان که ایمان آوردند و آنان که از علم بهره مند شدند، بالا میبرد». هیچ وقت از یادگیری و دانش آموزی خسته نشوید و به فکر فارغ التحصیلی نیفتید. این توصیه پیامبر(ص) را همواره به یاد داشته باشید که می‌فرمود: «چهار چیز است که هر باهوش و خردمندی باید به آن پایبند باشد؛ شنیدن دانش، حفظ کردن، نشر دادن و عمل به دانش». هر ظرفی وقتی چیزی در آن میگذارند، گنجایش خود را از دست میدهد مگر ظرف دانش که با افزودن آن، گنجایشش بیش تر می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرمود: «زنان انصار، خوب زنانی هستند! شرم، مانع فقاقت آنان در دین نمی‌شود». بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته‌های دوران جوانی خود، استفاده نمایند. قدردان والدین خود باشید. در خوبی کردن، کرنش و فروتنی به پدر و مادر خود، کوتاهی نکنید؛ خوشا به حال کسی که پدر و مادرش را نیکی کند! شخصی درباره دوست داشتنی‌ترین کار از پیامبر سؤال کرد و آن حضرت نخست به «گزاردن نماز اول وقت» اشاره فرمود و آنگاه از «نیکی به پدر و مادر» یاد کرد. روزی خواهر رضاعی پیامبر اکرم(ص) به نزد آن حضرت آمد؛ وقتی به او نگرست، از او شادمان گشت و ملحفه اش را گسترد و او را بر آن نشانید. سپس روی کرد و با او سخن گفت و به صورتش خندید. آنگاه خواهرش برخاست و رفت و برادرش آمد. رسول خدا(ص) چنین احترامی به او نکرد. لذا به حضورش عرض شد: ای رسول خدا! با خواهرش رفتاری کردی که با او در حالی که مرد است، چنین نکردی؟! فرمود: «چون او نسبت به پدر و مادرش نیکی‌کارتر از برادرش بود». این نکته نیز قابل توجه است: شخصی به حضور پیامبر(ص) رسید و پیرامون نیکی به پدر و مادر از آن حضرت پرسش نمود، فرمود: «به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن، به مادر نیکی کن.» و یک بار فرمود: «به پدرت نیز نیکی کن.» پیامبر(ص) پیش از آنکه نیکی کردن به پدر را ذکر کند، با مادر آغاز نمود. و شما ای دختران پیامبر! همواره به ارزیابی خود پردازید، پیش از آنکه مورد نقد دیگران قرار گیرید، و پیام رسول مهربانی را پاس بدارید. والسلام پی نوشت *نوشته حاضر به مناسبت میلاد حضرت معصومه ۳ و روز دختران از سوی آستانه مقدسه (ذی القعدة/۱۴۲۷ ق.) منتشر گردیده است. ۱. نحل، آیه ۱۶.

زیباترین حدیث درباره حجاب

قال النبی(ص) لفاطمه(س) «ای شیء خیر للمراه قالت ان لا تری رجلا ولا یراها رجل فضمها الیه و قال: ذریه بعضها من بعض» پیامبر اکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) فرمودند: چه چیز برای زن بهتر است حضرت فاطمه(س) فرمود: این که مردی را نبیند و مردی او را نبیند. پیامبر(ص) حضرت فاطمه را به خود چسبانید و فرمود ذریه ای که برخی از نسل برخی دیگرانند (یعنی همه در فضائل و کمالات یکدست و به مانند یکدیگرند) (بحار، ۴۳/۸۴) «الامام علی(ع): صیانه المرأه أنعم لحالها و أدوم لجمالها» ؛ (غررالحکم، فصل ۴۴، حرف صاد، حدیث ۱۰) امام علی(ع) فرمود: «پوشیدگی زن (باتوجه به موقعیت روحی و جسمی اش) برای او بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می‌سازد». النبی(ص): «ان من خیر نسائك المتبرجه من زوجها، الحصان عن غیره» ؛ (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵) رسول خدا(ص) فرمود: «بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بیوشاند».

حجاب اقلیت‌ها در زمان پیامبر

مذهبی که در قلمرو حکومت اسلامی زندگی می‌کند موظفند مقررات و قوانین کشور اسلامی را رعایت کنند از جمله مواردی که اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی باید رعایت کنند عبارتند از: ۱- رعایت کلیه مقررات و قوانین اسلامی، کشورهای محل اقامت ۲- احترام به مقررات و شعائر دینی ۳- عدم تظاهر به منکرات، (۱). اقلیت‌های مذهبی نمی‌توانند سنت‌های حاکم بر جامعه اسلامی را بشکنند طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام اسلامی تجاوز کنند. (ج) حجاب زنان، از سن قدیمی تمدن‌های بشری بوده است و در ادیان الهی دین به خصوص زرتشت، یهود و مسیحیت مسئله حجاب و رعایت آن مطرح بوده است در بعضی از ادیان مثل دین یهود، مسئله حجاب سخت‌تر از حجابی است که اسلام می‌گوید. برای آگاهی بیشتر ر. ک: محمد محمدی آشنانی، حجاب در ادیان الهی استاد شهید مطهری، مسأله حجاب. پی‌نوشت (۱) جواهر الکلام ج ۲۱ کتاب جهاد صفحه ۲۷۱ و ۲۷۰ و ۲۶۹ و ۲۶۸ شیخ محمد حسن نجفی) ره (انتشارات دارالکتاب الاسلامیه

لباس و پوشش در سیره نبوی

لباس، برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی و مایه‌ی آبرو و آراستگی انسان است. تبدیل آن به وسیله‌ی تفاخر و تجمل و ارزش را در کیفیت جامه دانستن، نوعی انحراف از فلسفه‌ی وجودی لباس است. از این رو ((ساده پوشی)) به عنوان یکی از مظاهر ساده زیستی و رهایی از تعلقات مادی است. پیامبر اکرم (ص) این گونه به زندگی و دنیا می‌نگریست و این گونه نیز می‌زیست و هرگز ارزش را در ((لباس)) نمی‌دید. سعدی می‌گوید: تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت و به قول پروین اعتصامی: زهد با نیت پاک است نه با جامه‌ی پاک ای بس آلوده، که پاکیزه‌ر دایی دارد در این جا به نمونه‌هایی از سیره‌ی حضرت رسول (ص) در مورد پوشیدن جامه، جنس لباس، رنگ، اندازه و تعداد و نحوه‌ی پوشیدن پیراهن، کفش، کلاه، عمامه، ردا و... اشاره می‌کنیم: ۱- جنس و رنگ لباس رسول خدا (ص) هم به سلامت و عافیت جسمی، هم به سادگی و هم به نوع سالم تر پارچه‌ی لباس توجه داشت. لباس پنبه‌ای مورد علاقه‌ی آن حضرت بود. علی (ع) می‌فرماید: ((لباس‌های پنبه‌ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست)). (۱) آن حضرت، هم لباس برد یمانی می‌پوشید، هم جبه‌ای پشمین و خشن از پنبه و کتان. (۲) می‌فرمود: ((پنج چیز را تا زنده‌ام ترک نمی‌کنم... یکی هم پوشیدن لباس پشمی)). (۳) رنگ سبز، رنگ مورد پسند پیامبر (ص) برای لباس بود. (۴) بیشتر جامه‌های پیامبر سفید بود و می‌فرمود: لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه‌ی سفید کفن کنید. (۵) پیامبر خدا ملحفه‌ای داشت که با زعفران رنگ‌آمیزی شده بود و گاهی تنها با پوشیدن همان، با مردم نماز می‌خواند. (۶) رنگ سرخ، رنگی بود که پیامبر خدا (ص) برای لباس، آن را نمی‌پسندید. (۷) رسول خدا (ص) نمونه‌ی اعلا‌ی تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می‌فرمود: ((من اتخذ ثوبا فلینظفه)). (۸) لباس سفید، خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می‌شود، و انسان مقید به سنت نبوی نظافت، به شستن و تمیز کردن آن روی می‌آورد. به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است. ۲- اندازه و کیفیت جامه‌ای که انسان را مغرور و سرمست کند یا تکبر و خود برتر بینی آورد، ناپسند است. مقید بودن به نوع خاصی از جامه نیز، اسارت آور است. رسول خدا (ص) هرگاه لباس تازه می‌پوشید، خدا را شکر و سپاس می‌گفت و جامه‌ی قبلی را به مسکین می‌داد. (کان من فعله اذا لبس الثوب الجديد حمدالله) (۹) در روایت دیگر است که چون جامه‌ی نو به تن می‌کرد، دعا می‌کرد و می‌فرمود: خدایی را سپاس که بر تن من چیزی پوشاند تا پوشش من باشد و میان مردم آراسته باشم. (۱۰) جامه‌ی بلندی که بر زمین کشیده شود، نشان تکبر است و در جاهلیت، شیوه‌ی اشراف بوده است. رسول خدا (ص) ضمن آن که از پوشیدن

آن گونه جامه ها نهی می کرد، خود جامه ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید. (کانت ثیابه کلها مشمره فوق الکعبین). (۱۱) این در مورد جامه ای بود که هم چون لنگ به کمر می بست. و جامه ای که از رو می پوشید، تا نصف ساق پا می رسید. جامه ی وی گاهی جامه ای کوچک تر از قطیفه (شمله) بود، یا جامه ای پشمین و راه راه با خطوط سیاه و سفید که وقتی آن را به بر می کرد، هیئت زیبایی می یافت. (۱۲) از نشانه های وارستگی آن حضرت در پوشیدن جامه و این که فخر خویش را به جامه و نوع آن نمی دانست، این است که نقل شده هر نوع لباسی که فراهم می شد می پوشید، از لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر. (۱۳) ۳- ساده پوشی ساده زیستی رسول خدا(ص) و وابسته نبودن به جلوه های فریبنده ی دنیا و به ناز و نعمت آن دل بستن و به جلوه های مادی دل خوش نداشتن، در همه ی شوون زندگی وی متجلی بود از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز و... نقل شده که گاهی آن حضرت، روی حصیر می خوابید، بی آن که جز آن چیزی زیرش باشد. (۱۴) هر چه فراهم بود می پوشید، چه قطیفه ای باشد که بر بکند، یا برد عالی که پوشد، چه جبه ی پشمین، هر چه که از حلال می یافت می پوشید. (ما وجد من المباح لبس) (۱۵) مهم، مباح بودن جامه بود که برای رسول خدا اهمیت داشت، نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن! آن حضرت به صحابی پارسای خود ابوذر غفاری فرمود: ای ابوذر! من لباس خشن و سخت می پوشم، روی زمین می نشینم، انگشتانم را پس از غذا می لیسم، بر چهار پای بی زین سوار می شوم و کسی را در ردیف خود سوار می کنم. اینها از سنت های من است، هر کس از سنن من روی گردان شود، از من نیست. (۱۶) در سخن دیگری آمده است که عبایی داشت، هرگاه می خواست نافله بخواند (یا جابه جا شود) آن را دو تا می کردند و زیرش می انداختند. (۱۷) پیامبر خدا(ص) هرگز نسبت به جای خواب و رختخواب، عیبجویی و ایرادگیری نداشت. اگر بستر برایش می گسترده، بر آن می خوابید و اگر رختخوابی پهن نمی شد، بر زمین می خوابید. (ان فرشوا له اضطجع وان لم یفرش له اضطجع علی الارض). (۱۸) این نهایت زهد و اوج وارستگی از تعلقات دنیوی است. وقتی در خانه بود، لباس خود را می دوخت و بر کفش خویش وصله می زد. (۱۹) روزی عمر خدمت آن حضرت رسید، در حالی که وی بر روی حصیری خفته بود و حصیر بر پهلوهای آن حضرت خط انداخته بود؛ گفت: یا رسول الله! کاش بستری گسترده بودید! فرمود: دنیا را می خواهم چه کنم؟ مثل من و دنیا مثل رهگذری است که در یک روز گرم، ساعتی از روز را زیر سایه ی درختی به استراحت پرداخته، سپس آن جا را وانهاد و رفته است. (۲۰) ۴- لباس های ویژه کلاه، عمامه، دستار و عرقچین، گرچه پوشاننده ی ((بدن)) نیست، ولی در ردیف جامه به شمار می آید. از سنت های اسلامی، پوشاندن سر است، چه هنگام عبادت و نماز، چه در مواقع دیگر. گرچه ((در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست.)) پوشش پیامبر اکرم(ص) برای سر خود، اغلب ((عمامه)) بود. هنگام نماز و خطبه و جهاد، به تناسب، شرایط، با چیزی سر را می پوشاند. گاهی هم سر برهنه بود. به روایت امام صادق(ع) پیامبر اسلام، عرقچین و کلاه سفید راه راه می پوشید و در هنگام جنگ، عرقچینی بر سر می گذاشت که دو گوش داشت و روی گوش ها را می پوشاند. (۲۱) در مواقع دیگر، از زیر عمامه، عرقچین هم بر سر می پوشید. (کان یلبس القلانس تحت العمامه). (۲۲) البته گاهی عمامه ی بدون کلاه بر سر می نهاد، یا کلاه بدون عمامه می پوشید (۲۳). عمامه سیاهی داشت که بر سر می پیچید و با آن نماز می خواند. (۲۴) اگر استفاده ی از دستمال و حوله را برای خشک کردن دست و صورت هنگام وضو وارد بحث پوشش و لباس کنیم، در این زمینه هم بد نیست بدانیم که رسول خدا(ص) حوله های متعددی داشت، با نام های مختلف و کاربردهای گوناگون، که به مراعات بهداشت و نظافت و نظم هم مربوط می شود. در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله ای داشت که پس از وضو چهره ی خود را با آن خشک می کرد. و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت، با گوشه ی لباس خود صورت را خشک می کرد. (۲۵) آراستگی آن حضرت، بخصوص هنگام حضور در جمع مسلمانان در مسجد و برای خطبه و نماز، گوشه ی دیگری از سیره ی او را نشان می دهد. لباس نماز جمعه ی وی مخصوص بود: ((کان له ثوب للجمعه خاصه)). (۲۶) در بعضی روایات آمده که غیر از لباسی که در روزهای غیر جمعه می پوشید، دو جامه ی مخصوص برای جمعه داشت. (۲۷) ۵-

آداب لباس پوشی گرچه لباس پوشیدن، کاری ساده و روزمره و عادی است، ولی روش و سیره‌ی اولیای دین در این زمینه‌ها هم برای ما مهم است. پیامبر اکرم (ص) هر گاه لباس و پیراهن می پوشید، ابتدا سمت راست را بر تن می کرد و هرگاه جامه از تن در می آورد، از سمت چپ شروع می کرد. (۲۸) گاهی بی آن که جامه‌ی دیگری بر تن کند، روپوشی را بر اندام خود می افکند و دو طرف آن را بین دو شانه‌ی خود گره می زد و چه در خانه یا بیرون یا هنگام نماز بر جنازه‌ها، با همان حالت نماز می گزارد. گاهی نیز در یک لباس گشاد نماز می خواند. دو عدد جامه‌ی برد بافته شده داشت که آن‌ها را تنها در حال نماز می پوشید، امت خویش را به ((نظافت)) دستور می داد و تشویق می کرد. (۲۹) آن حضرت، انجام کار را با دست راست، و شروع از سمت راست را در همه‌ی کارهایش دوست داشت. در پوشیدن جامه و کفش، در شانه کردن موی. (۳۰) لباسی که می خرید، اگر آستین آن بیش از اندازه بود، مقدار اضافی را می برید. (۳۱) و نمی گذاشت لبه‌ی آن را هم بدوزند و به همان حال می پوشید و می فرمود: کار، خیلی زودتر از این هاست. (۳۲) پایان این بخش را به دو کلام از حضرت رسول (ص) زینت می دهیم که درباره‌ی جامه و آداب لباس پوشی فرموده است: ((من لبس ثياب شهره فی الدنيا البسه الله لباس الذل یوم القیامه)). (۳۳) هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت نما شود) خداوند در روز قیامت جامه‌ی ذلت و خواری بر او می پوشاند. امام صادق (ع) از پدران خویش روایت کرده است که رسول خدا (ص) نهی می کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند. و نهی می کرد که زنان، در لباس شبیه مردان شوند. (۳۴) پی‌نوشت‌ها ۱- برای آشنایی از سایر ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری حضرت می‌توانید به کتاب ((همگام با رسول (ص))) مراجعه نمایید. ۱. البسوا الثیاب القطن فانها لباس رسول الله (سنن النبی، ص ۱۲۶). ۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵. ۴. کان یعجبه الثیاب الخضر (سنن النبی، ص ۱۲۰). ۵. البسوها احیایکم و کفونا فیها موتاکم (سنن النبی، ص ۱۲۰ و محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۰). ۶. محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۱. ۷. سنن النبی، ص ۱۳۳. (انه کره الحمره فی اللباس). ۸. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳. ۹. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۱ و مکارم الاخلاق، ص ۳۶. ۱۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۱ و محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۵. ۱۱. سنن النبی، ص ۱۲۰ و محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۱. ۱۲. سنن النبی، ص ۱۲۵، حدیث ۱۳۵. ۱۳. همان، ص ۱۲۰ به نقل از احیای العلوم غزالی. ۱۴. همان، ص ۱۲۳. ۱۵. محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۲۵. ۱۶. سنن النبی، ص ۱۳۱. ۱۷. همان، ص ۱۲۳ و بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۱۸. محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۳۰. ۱۹. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰. ۲۰. همان، ص ۲۳۹. ۲۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۲۰. ۲۲. سنن النبی، ص ۱۲۲ و محججه البیضا، ج ۴، ص ۱۴۳. ۲۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۰. ۲۴. سنن النبی، ص ۱۲۵. ۲۵. مکارم الاخلاق، ص ۳۶. ۲۶. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷. ۲۷. همان، ص ۲۵۱ و سنن النبی، ص ۱۲۱. ۲۸. سنن النبی، ص ۱۲۳. ۲۹. همان، ص ۱۲۶. ۳۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷. ۳۱. همان، ص ۲۷۸. ۳۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۱. ۳۳. همان، ص ۱۱۶. ۳۴. همان، ص ۱۱۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

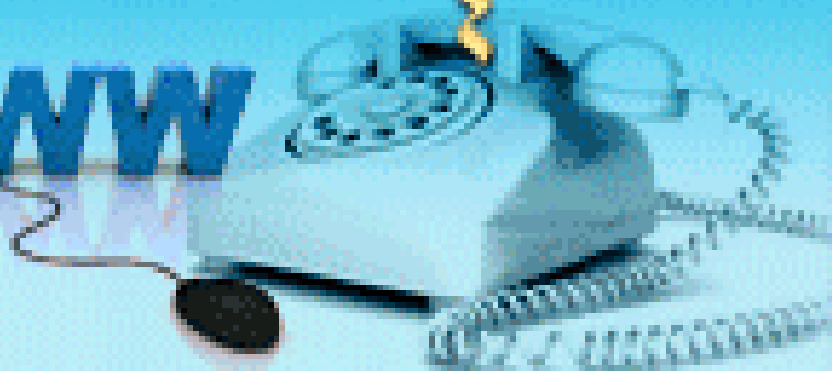


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

